



کتابدار استاد: مدلی از کتابداران مدرس در آینده^۱

نوشته: گرتچن و. داگلاس
ترجمه: دکتر آتش جعفرنژاد^۲

مقدمه

این مقاله به تجربیات یک کتابدار به عنوان مدرس دروس کاربرد رایانه اشاره دارد. درباره این که چگونه به عنوان مدرس دروس کاربرد رایانه به دانشجویان در محیط کتابخانه تدریس نموده و مشکلاتی که از نظر اداری و پذیرفته شدن موقعیت شغلی و همین طور در مورد ارزیابی عملکردش در این زمینه توضیح می‌دهد. و آینده‌ای که برای کتابداران ترسیم می‌کند نقش کتابدار به عنوان "کتابدار استاد" می‌باشد.

وقتی که اشخاصی را برای اولین بار ملاقات می‌کنم، خواه ناخواه این سؤال پیش می‌آید، "کارت چیست و چه کار می‌کنی؟" به آنها می‌گویم من یک کتابدار هستم و سپس به دنبال آن به سرعت اضافه می‌کنم که من واحدهای درسی کاربردهای رایانه تدریس می‌کنم. حالا، توضیح می‌دهم که چرا همیشه این جمله تکمیلی را، در معرفی کار خود، اضافه می‌کنم. شاید به این دلیل که من یک "کتابدار سنتی" نیستم. تدریس واحدهای درسی رایانه چیزی نیست که مردم از یک کتابدار انتظارش را داشته باشند. حتی وقتی که با همکاران کتابدار ملاقات می‌کنم آنها هم از پُست و موقعیت غیرمتداول من تعجب می‌کنند. گرچه اخیراً من به عنوان یک فرد غیرمتعارف مورد توجه و ملاحظه قرار گرفته‌ام، ولی معتقدم نقش من به عنوان "کتابدار استاد"، نقش متداول و معمولی برای کتابداران در آینده خواهد بود.

ریشه‌های نقش دوگانه من

نخستین مسؤلیت من تدریس واحد درسی اجباری کاربرد رایانه در دانشگاه ایالتی نیویورک (SUNY) کالج ۴ ساله هنرهای آزاد با برنامه‌های حرفه‌ای قوی، واقع در شهر کرتلند بود. برای سال‌های متمادی گروه ریاضی دارای گرایش علوم

رایانه بود با واحدهای درسی که به برنامه‌نویسی و جنبه‌های ریاضی رایانه تأکید داشت. کاربردهای ریزرایانه در قسمت‌های دیگر برنامه‌های درسی به وجود آمد و معلوم شد که اصول و مهارت‌های رایانه خارج از گروه ریاضی آموزش داده می‌شود. در میانه دهه ۱۹۸۰ تعدادی از اعضای دانشکده که موضوع تخصصی کاربردهای رایانه را تدریس می‌کردند نیاز دانشکده به تعریف و پیشنهاد یک واحد درسی مقدمات کاربردهای رایانه که شامل اصول دوگانه‌ای می‌شد مورد بحث قرار دادند. این گروه یک عنوان درس ۴ واحدی که اصول نرم‌افزار و سخت‌افزار رایانه را شامل می‌شد طراحی کردند که در آن مهارت‌های استفاده از سه نرم‌افزار کاربردی پایه یعنی، ویرایشگر ورد^۳، صفحه گسترده^۴ و پایگاه‌های اطلاعاتی^۵ آموزش داده می‌شد. این واحد درسی شامل سه جلسه سخنرانی ۵۰ دقیقه‌ای و هفته‌ای دو ساعت کار آزمایشگاهی بود. بعد از این درس، مقدمه اینترنت و سپس ارتباطات دوربرد^۶، پست الکترونیکی^۷ و کاربردهای وب^۸ به این برنامه درسی اضافه شد.

همین گروه دانشکده، رشته فرعی کاربردهای رایانه را هم ایجاد کردند که ویژه کاربرد رایانه در موارد گوناگون بود. استادی از گروه فیزیک که یکی از اعضای گروه مؤسس بود به عنوان هماهنگ‌کننده دروس کاربردهای رایانه انتخاب شد. یک رابط، یعنی کسی که گزارش‌ها را به هماهنگ‌کننده کاربردهای رایانه می‌داد نه به گروه، برای تدریس واحد درس مقدماتی استخدام شد. برنامه‌های در سطح بالاتر را در واحدهای درسی رشته فرعی اساتید دانشکده تدریس می‌کردند.

در ۱۹۹۵ به علت افزایش تقاضا برای دوره‌ها، دانشکده ایالتی نیویورک (SUNY) تصمیم گرفت یک نفر عضو تمام



وقت دانشکده برای تدریس دروس مقدماتی استخدام کنند. پست دانشکده در کتابخانه قرار داده شد. البته بعد از بحث‌های زیادی که در مجتمع دانشگاهی انجام شد - به ویژه در کتابخانه - این که آیا کتابخانه بهترین محل برای این پست است؟

تدریس در خارج از دانشکده، ساختار گزارش پست از جانب کتابخانه مورد سؤال قرار گرفت. در اصل گزارش پست به معاون منابع اطلاع‌رسانی داده می‌شد که یک پست مدیریتی بود، برعکس سایر گروه‌های دانشکده که در آنجا گزارش‌ها به کسی داده می‌شد که دارای پست دانشگاهی (هیأت علمی) بود. اعضای دانشکده متوجه شدند کسی که تصدی این پست را دارد دارای درجه تحصیلی کارشناسی‌ارشد است نه دکتری. دانشکده با قرارداد ۹ ماهه کار می‌کند، درباره کسی که ۱۲ ماه قرار دارد و به طور مرتب در تابستان تدریس می‌کند و دارای پست اداری در سایر پست‌های دانشکده خارج از کتابخانه است سؤال کرد، آیا بقیه مدت قرارداد او سابقه محسوب می‌شود؟

موضوع ساختار گزارش تا حدودی با داشتن هماهنگ‌کننده کاربرد رایانه حل شد. به جای این که یک معاون این کار را انجام بدهد یک عضو از گروه فیزیک، آموزش متقاضیان منفرد را تعیین می‌کرد. هماهنگ‌کننده رایانه ارزشیابی افراد را نیز توسط کمیته کارکنان کتابخانه انجام می‌داد. (در طول زندگی این پست، ساختار گزارش‌دهی تغییر یافت. ابتدا به مدیرکل کتابخانه گزارش می‌شد، و در آخر به هماهنگ‌کننده آموزش که یکی از کارکنان کتابخانه بود.)

کتابداران خودشان را مورد ملاحظه و توجه قرار دادند. آنها بحث و اختلاف نظر در این مورد داشتند که آیا نیاز به کارشناس ارشد کتابداری است یا یک درجه مشابه. آیا کسی بدون داشتن درجه کارشناسی‌ارشد کتابداری قادر به درک طبیعت کتابخانه خواهد بود و آیا به طور کامل قادر خواهد بود به عنوان عضو کتابخانه دانشکده در آن شرکت نماید؟ اگر یک شخص با درجه کارشناس ارشد کتابداری نیاز باشد، کتابخانه خواهد توانست کتابداری پیدا کند که دارای صلاحیت تدریس این دوره را داشته باشد؟ موضوع دیگر برای کتابداران این بود، آن شخص که کار اولیه‌اش تدریس خواهد بود، در میز مرجع هم کار خواهد کرد؟ اگر چنین است، چند ساعت کار علاوه بر

تدریس کافی خواهد بود؟

شرح وظایف نهایی نیاز به کارشناس ارشد کتابداری یا درجه مشابه در زمینه موضوعی مناسب مشخص شد - دامنه موضوع، درجه - بدون اضافه شدن وظایف میز مرجع. بهر حال، موقعیت اطلاع‌رسانی و هماهنگ‌کننده مدرس مواد رایانه با این شرایط بود که من تقاضای تصدی آن را دادم. وقتی که فقط یک ماه در این پست بودم، شروع به تدریس در واحدهای درسی سطوح بالاتر تحت عنوان ارتباطات الکترونیکی کردم. در پاییز ۱۹۹۹ هماهنگ‌کننده آموزش کتابخانه به عنوان هماهنگ‌کننده کاربردهای رایانه انتخاب شد.

نقش متحول و خوشایند

بهر صورت ممکن است گفته شود، چرا از کتابداران برای تدریس کاربردهای رایانه استفاده می‌شود؟ چرا یک گروه جدید برای انجام این مسئولیت تشکیل نمی‌شود یا افرادی با تخصص و دانش رایانه برای تدریس استخدام نمی‌شوند؟ بخشی از پاسخ مربوط به مسئله مالی است. نظام دانشگاه ایالتی نیویورک در کاهش بودجه در سال‌های اخیر بی‌نصیب نبود و سهمی از این کاهش هم به او رسید. تشکیل یک گروه - در دانشکده - نیاز به پست‌های جدید، حمایت کارکنان، فضای اداری و لوازم و تجهیزات دارد. واحدهای درسی که من تدریس می‌کنم کاربردهای رایانه است نه علوم رایانه. اختلاف زیادی میان این دو وجود دارد. متخصصان علوم رایانه کسانی هستند که نرم‌افزار تولید می‌کنند، سخت‌افزار طراحی می‌کنند و برنامه‌نویسی می‌کنند. و مدرسین کاربردهای رایانه کسانی هستند که استفاده‌کننده نرم‌افزارها و سخت‌افزارها هستند.

کتابداران به طور حتم استفاده‌کنندگان فن‌آوری رایانه هستند. در بسیاری از مجتمع‌های دانشگاهی کتابخانه‌ها نخستین مکانی هستند که رایانه در فعالیت‌های دانشکده‌ای به کار می‌رود. کتابداران باید استفاده از فن‌آوری را بیاموزند تا باقی بمانند. در عوض، کتابداران مجبور به آموزش به جامعه مجتمع دانشگاهی هستند که چگونه به طور مؤثر اطلاعات موجود در منابع چاپی گذشته را بازیابی نمایند. ما (کتابداران) استفاده‌کنندگان فن‌آوری هوشمند هستیم و



دانشگاه کانکتیکت جنوبی، نقش رایانه در حرفه کتابخانه را منعکس می‌کند. دانشکده‌ها به طور فزاینده‌ای نیاز به دانشجویانی دارند که در نکات آموزشی خود بخشی از رایانه را آموخته باشند.

در دانشگاه ما، یعنی، دانشگاه ایالتی نیویورک در آلبانی (SUNY) واحد رایانه - نظام‌های اطلاعاتی و کاربردهای رایانه، که یکی از ۴ واحد درس اصلی است، اجباری می‌باشد و هر فارغ‌التحصیل باید این درس را بگذراند. کالج سیمونز می‌خواهد که دانشجویان مهارت‌های مربوط به رایانه را در میانه ترم اول یاد بگیرند

(<http://WWW.artemis.simmons.edu/techcomp>).

سایر دانشکده‌ها می‌خواهند که دانشجویان قبل از ورود به دانشکده مقداری از نیازهای مواد فن‌آوری را فرا بگیرند. دانشکده مطالعات اطلاع‌رسانی دانشگاه سیراکوس فهرست حداقل مهارت‌های مورد نیاز را اعلام کرده است. این فهرست با عناوینی که من در دوره مقدماتی تدریس می‌کنم تقریباً قابل مقایسه است و با هم مطابقت دارند.

حرکت به سوی نقش جدید

داشتن دانش یک چیز است و تدریس آن چیز دیگری است. چرا کتابداران واحد درسی اجباری را باید تدریس کنند؟ کتابداران در کتابخانه‌های دانشگاهی، عمومی و آموزشی قبلاً در نقش‌های گوناگونی تدریس کرده‌اند. مثل آموزش کتابشناختی در بخشی از دروس کتابداری دانشگاهی. بسیاری از کتابخانه‌های عمومی دوره‌های آموزش چگونگی استفاده از اینترنت را ارائه می‌دهند. بسیاری از ایالت‌ها نیازمند کتابدار برای تدریس در مدارس ابتدایی و دبیرستانی می‌باشند. هنگامی که دانش‌آموزان اولین قدم‌های خود را برای مطالعه بر می‌دارند به آنها یاد می‌دهند که چگونه از منابع استفاده نمایند. کتابداران حرفه‌ای در تمام انواع کتابخانه‌ها به فرد فرد کسانی که نیاز به کمک در میز مرجع دارند آموزش می‌دهند. اما این کلاس‌ها درباره منابع مرجع است نه رایانه. چرا کتابداران باید یکی از اشخاصی باشند که کاربردهای رایانه را تدریس می‌کنند؟ خط ارتباطی میان سواد رایانه و سواد اطلاع‌رسانی غیرقابل انکار است. انجمن کتابخانه‌های دانشگاهی و

قبلاً در موقعیت‌ها و ظرفیت‌های گوناگون آموزش داده‌ایم. بنابراین معتقدم که کتابدار به عنوان استاد، گام بعدی در تکامل این حرفه است. اعتقاد دارم قدم بعدی تدریس واحدهای درسی در کاربردهای رایانه خواهد بود.

آیا من دارای مهارت ویژه‌ای هستم که سایر کتابداران فاقد آن هستند؟ وقتی که چهار سال پیش استخدام شدم شاید پاسخ مثبت بود، ولی حرفه کتابداری از آن موقع به بعد تغییر کرده است. اریک لیز مورگان در مقاله خود تحت عنوان "سواد رایانه برای کتابداران" در مجله Computer in Libraries شماره ژانویه ۱۹۹۸، مهارت‌های سواد رایانه برای کتابداران را فهرست کرده است. توانایی‌هایی که او فهرست کرده مطابق با سرفصل‌هایی است که در واحد درسی مقدماتی تدریس می‌کنم. دانشجویان می‌آموزند که چگونه از یک نظام ویرایشگر گرافیکی مثل ویندوز^۹ استفاده نمایند. می‌بایست کاربردهای اصلی نرم‌افزار ویرایشگر ورد، صفحه گسترده، نرم‌افزار پاور پوینت^{۱۰} و زبان فرامتن^{۱۱} را یاد بگیرند و به کار ببرند. دانشجویان در مورد انواع رایانه‌ها یاد می‌گیرند (مین فریم‌ها، ابر رایانه‌ها و ریز رایانه‌ها)، با شبکه‌ها (محلّی، گسترده)، مدیریت پرونده^{۱۲}، سخت‌افزار، اینترنت و جستجو برای ارزشیابی اطلاعات در اینترنت آشنا می‌شوند. موضوع‌هایی مثل جنایت رایانه‌ای، ویروس‌ها، مسائل خصوصی، تجارت الکترونیکی و اخلاق نیز مورد بحث قرار می‌گیرند. در این دروس به مفاهیم بیشتر تأکید می‌شود، زیرا رایانه‌ها به سرعت تغییر می‌یابند ولی اصول پایه آن خیر.

آمادگی برای نقش دوگانه

آیا کتابداران به خوبی اساتید واحد آموزش دانشکده آمادگی تدریس این دوره‌ها را خواهند داشت؟ تغییر در نام‌های دانشکده‌های کتابداری یک نگرش جدید بر کاربرد فن‌آوری در برنامه‌های درسی را ایجاد می‌کند. دانشگاه درکسل Drexel omir. در میانه ۱۹۸۰ نام خود را از دانشکده کتابداری^{۱۳} به دانشکده مطالعات اطلاع‌رسانی و سپس در ۱۹۹۵ به نام دانشگاه اطلاع‌رسانی و فن‌آوری تغییر داد. نام‌هایی مثل دانشکده علوم اطلاع‌رسانی و آموزش فن‌آوری در دانشگاه میسوری - کلمبیا و گروه علوم کتابداری و آموزش فن‌آوری در



تحقیقاتی برای استاندارد سواد اطلاعاتی یک پیش‌نویس تحت عنوان: استانداردهای مهارت سواد اطلاعاتی در آموزش عالی منتشر کرده است که به ارتباط میان سواد اطلاعاتی و سواد رایانه اشاره دارد. این مدرک مهارت‌های مورد نیاز رایانه برای بازیابی اطلاعات را فهرست می‌کند. بار دیگر این فهرست مستقیماً به سرفصل‌های آموزشی در درس مقدماتی کاربردهای رایانه که من تدریس می‌کنم اشاره دارد: حرکت در محیط گرافیکی، کاربردهای اینترنت مثل مرورگر و پست الکترونیکی، ویرایشگر وورد، صفحه گسترده، ساختار پایگاه اطلاعاتی، معرفی نرم‌افزار و زبان فرامتن (Html).

برای استفاده از منابع الکترونیکی مثل: فهرست‌ها، پایگاه نشریات ادواری و اینترنت، استفاده کنندگان باید قادر به کاربرد ماوس باشند، مانند مرور یک صفحه چاپ نتایج، درک مدیریت فایل و ذخیره‌سازی یک فایل استنادی مقاله یا تمام متن. اگر چه مهارت‌های رایانه بسیار متداول شده است، ولی هر کسی که به کتابخانه می‌آید دارای آن مهارت نیست. بسیاری از کتابخانه‌ها کارگاه‌هایی را در مسائل رایانه برگزار می‌کنند.

مفهوم این که یک کتابدار مهارت‌های رایانه را تدریس می‌کند تازگی ندارد. ولی مفهوم تدریس واحد درسی اجباری تازگی دارد. کتابداران معمولاً دوره‌هایی را که دارای کلاس موظف، امتحان، نمره دادن و ساعات رسمی است تدریس نمی‌کنند. این خارج از مقررات است که باید مورد بحث قرار گیرد. ولی باید به این واقعیت اشاره کنم که در بسیاری از دانشکده‌ها کتابداران واحد درسی اجباری تدریس کرده‌اند. دانشگاه مونتانا واحد درسی LIB 221 را ارائه می‌دهد. سواد اطلاع‌رسانی یک واحد درسی ۳ واحدی اجباری است که توسط کتابداران تدریس می‌شود. ([http:// WWW.lib.montana.edu/instruct/classes](http://WWW.lib.montana.edu/instruct/classes))

دانشگاه ویسکونسن واقع در استونس پوینت، نظام‌های رایانه و اطلاع‌رسانی 102 را که با ویندوز ۹۵ اجرا می‌شود ارائه می‌دهد. بنابراین در پاسخ بسیاری باید گفت قبلاً تدریس برای سواد اطلاع‌رسانی را انجام داده‌ایم. قدم بعدی هم مثل آن تدریس سواد رایانه خواهد بود.

پست من در واقع کارگاه رایانه و واحدهای درسی اجباری که کتابداران قبلاً تدریس می‌کردند را روی هم جمع می‌کند.

کتابداران، مدرسان ایده‌آل کاربرد رایانه هستند. زیرا رایانه در کنار تمام رشته‌های تحصیلی وجود دارد و کتابداران نیز همین‌طور. ما در میز مرجع کلی‌نگری می‌کنیم و آنچه را که آنها به دنبالش هستند برایشان پیدا می‌کنیم بدون توجه به رشته تحصیلی آنها. همچنین کتابداران به دانشجویان کمک می‌کنند تا کاربرد رایانه را فراگیرند بدون آن که به زمینه موضوعی این دانشجویان بپردازند. ما (کتابداران) به عنوان یک حرفه تدریس کرده‌ایم و نیاز داریم قبلاً خودمان استفاده‌کننده ماهر رایانه باشیم تا بتوانیم افراد حرفه‌ای مؤثر اطلاع‌رسانی باشیم. نقش من به عنوان استاد کاربردهای رایانه گام بعدی در فرآیند روبه رشد خواهد بود.

مشکلات دوگانگی

آیا مشکلاتی با این مدل از کتابداران به عنوان استاد وجود دارد؟ مطمئناً بلی. به عنوان مثال، عضو آموزشی دانشکده (کسی که به کلاس می‌رود) معمولاً ۹ ماه قرارداد دارد. در حالی که کتابداران ۱۲ ماه قرارداد دارند. خوب، کتابدارانی که واحدهای درسی را تدریس می‌کنند در تابستان چه کار می‌کنند؟ یک راه حل این است که در کلاس‌های تابستانی تدریس کنند. ولی ممکن است این کار باعث خستگی بشود و زمانی برای آمادگی برای سال تحصیلی بعدی نگذارد. راه حل دیگر این است که در طول تابستان به وظایف دیگری بپردازد: کار در میز مرجع، انتشار مقاله یا شرکت در کنفرانس‌ها، تدوین واحدهای درسی جدید یا روزآمدسازی اطلاعات درباره فن‌آوری‌های رایانه، راه حل دیگری است که کتابداران مدرس مثل سایر مدرسان دانشکده قرارداد ۹ ماهه داشته باشند.

مشکل دیگر موضوع درجه تحصیلی است. کتابداران (اغلب) دارای درجه تحصیلی کارشناسی هستند نه دکتری. اگر چه دستیاران بدون درجه دکتری در بسیاری از دانشکده‌های مجتمع دانشگاهی تدریس می‌کنند. تصمیمات در مورد تصدی بدون داشتن درجه دکتری ممکن است جای بحث ایراد باشد. موضوع دوم این است که در علوم رایانه یا فن‌آوری آموزشی، سؤال در مورد داشتن درجه دکتری ممکن است یک راه حل باشد. در صورتی که در مورد کتابداران مدرس، داشتن درجه دکتری سؤال دیگری است. یک مشکل حاد دیگر این



کار کردن با بیش از یک کارکرد در یک زمان هستند.

خوشحالی‌های دوگانگی پست

آیا در کتابدار استاد بودن نفعی هم وجود دارد؟ بلی خیلی زیاد! در واقع منافع تدریس به مشکلات آن می‌چربد. شانس داشتن تعامل با دانشجویان و شناخت بهتر آنها بهتر از ۵۰ دقیقه ایراد سخنرانی در کلاس درباره مسئله کتابشناختی است که بزرگترین نعمت برای من است. دانشجویان کرتلند افراد مهمی هستند. آنها علاقه‌مند به فن‌آوری هستند و همیشه مرا با سؤال‌های خود می‌خکوب می‌کنند. تدریس کاربردهای رایانه به عنوان رشته فرعی مرا قادر می‌سازد که دانشجویان را در طول ترم در کلاس‌های گوناگون بشناسم.

برای من تجربه شده است که به عنوان یک کتابدار که واحد درسی اجباری تدریس می‌کند حساسیت زیادی به برنامه‌های درسی دانشکده داشته باشم. ما در یک تجربه سهیم هستیم زیرا دانشکده که تلاش دارد فن‌آوری را در کلاس‌های خود به کار گیرد، من به عنوان یک مرجع هستم که نه تنها دانش درباره فن‌آوری را آموخته است، بلکه کسی است که درباره سخنرانی در یک سالن بزرگ، نمره دادن به امتحانات، رعایت ساعات اداری و سایر مسائل مبتلا به آن را می‌داند. تدریس کاربردهای رایانه به کتابداران درک گسترده‌تری از یاددهی و یادگیری را که هدف دانشکده است به دست می‌دهد.

آینده برای ما چه خواهد کرد؟

چه چیزی لازم است انجام پذیرد تا کتابداران بیشتری برای نقش جدید تشویق شوند؟ همان طور که قبلاً گفته شد، مدارس کتابداری فن‌آوری را در دروس خود اضافه می‌کنند و یا می‌خواهند دانشجویان قبل از ورود به دانشکده مهارت‌های معینی را فراگیرند. و حال، دانشکده‌های کتابداری همچنین باید به کتابداران آموزش بدهند که چگونه تدریس نمایند.

واحدهای درسی آموزشی و فرصت برای تجربیات عملی آموزش، مثل کارورزی برای دانشجویان یا علاقه به تدریس مورد نیاز است. موقعیت‌های پیشرفت حرفه‌ای برای تلفیق هر دو مورد تمرینات فن‌آوری و آموزش باید برای کتابدارانی که به

موضوع است که چگونه کتابدارانی که مسئولیت اصلی آن‌ها تدریس است، به عنوان کتابدار برای ارتقاء مرتبه شغلی خود به وسیله کتابداران مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. به نظر می‌رسد هنوز خدمات مرجع و خدمات فنی، حرفه ما را توصیف می‌کنند. آیا کتابدارانی که تدریس نمی‌کنند می‌توانند قضاوت مؤثری درباره توانایی تدریس کتابدار استاد داشته باشند؟ مسئولیت من در کرتلند (کالج) هماهنگ‌کننده برنامه‌های کاربردی رایانه‌ای بود. من خوشبخت بودم که تعدادی از همکاران کتابدار من در کالج کرتلند دارای درجه دکتری بودند. آنها در رشته‌های خود به عنوان استادیار تدریس می‌کردند. آنها با توجه به تجربیات خود می‌توانستند شغل من را به عنوان مدرس ارزیابی نمایند. ولی هر کتابخانه‌ای دارای کادر با تجربه هیأت علمی برای ارزیابی توانایی‌های تدریس کتابدار استاد نیست. باید دقت داشت قبل از این که سایر افراد در پست‌های مشابه پست من استخدام شوند، مشخص شود که ارزیابی این مدرس را چه کسی انجام خواهد داد و این کار چگونه انجام خواهد شد. مسئله میز مرجع وظیفه موضوع اصلی پست من شده است. در اصل من هیچگونه مسئولیت در میز مرجع ندارم. بعد از چهار سال، وقتی که تدریس می‌کنم هفته دو ساعت در میز مرجع کار می‌کنم و بیشتر اوقات کارم ساعات استراحت و جلسات تابستان‌ها است. در واقع من از کار کردن در میز مرجع لذت می‌برم و احساس می‌کنم که این کار در بهبود نقش تدریس به من کمک می‌کند. به عنوان مثال با فهرست برگه‌ها، پایگاه‌های اطلاعاتی و مجموعه نشریات ادواری روی وب، مردم می‌توانند پنجره‌های متفاوت آن را باز کنند و در این پنجره، عقب یا جلو حرکت نمایند. آنها می‌توانند استادهایی را در یک پایگاه اطلاعاتی پیدا کنند و ببینند آیا کتابخانه آن نشریه را مشترک هست یا نه. بسیاری از دانشجویان مایل به بازکردن یک پنجره و بستن آن و رفتن به پنجره‌های دیگر و بازگشتن به مرحله اول هستند. وقتی من توانایی‌های رایانه را به آنها نشان می‌دهم که چگونه به سادگی می‌توانند میان چندین پنجره باز شده حرکت نمایند متعجب می‌شوند. این کار به من نشان می‌دهد که نیاز به تأکید بیشتر روی کدام وظایف در ترم آینده دارم. من تمرین‌های بیشتری را در آزمایشگاه طراحی می‌کنم. جایی که دانشجویان مجبور به



یادداشت‌ها

تازگی تدریس می‌کنند مهیا باشد.

در آینده انتظار دارم، وقتی که شخص جدیدی را ملاقات می‌کنم؛ به سادگی بگویم «من یک کتابدار هستم»، و نیاز به توضیح اضافی در مورد این که چه کار می‌کنم نباشد. زیرا مدل کتابدار به عنوان استاد یکی از نقش‌های پذیرفته شده در این حرفه خواهد بود.

1. Gretchen, V. Douglas, "Professor Librarian: a model of the teaching librarian of the future." *Computer in Libraries*, Nov./ Des. 1999, PP. 24-30.
۲. عضو گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی، دانشگاه آزاد اسلامی - واحد علوم و تحقیقات.

3. Word Processing
4. Spreadsheets
5. Databases
6. Tele communications
7. E-mail
8. Web Applications
9. Windows
10. Power Point
11. HTML
12. File Management
13. Graduate school of Lib. Sci

منابع

1. Morgan, Eric Lease. "Computer Literacy for Librarians." *Computers in Libraries*. Jan. 1998 , PP. 39-40.
2. Lowee, Kay E. "Computer Literacy as a Formal Requirement in Library Science Education". *Journal of Education for Library and Information Science*, 1997, 191-199.
3. Information Literacy Competency Standards for Higher Education. The Association of College and Research Libraries Task Force on Information Literacy Standards. (1 Sept. 1999). (<http://www.ala.org/acrl/ilcomstan.html>).

